

نویسنده کتاب لندن ریویو : **سیمیور ام هیرش** (Seymour M. Hersh)



منبع و تاریخ نشر : لندن بوک ریویو «vol:38 No: 7-1-2016»  
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

## نظامی به نظامی

### Military To Military

در به اشتراک گذاشتن اطلاعات ایالات متحده آمریکا در جنگ سوریه :  
از شما دعوت بعمل می آید که این مقاله را که از صفحات «11-14» از مجاد تحت عنوان «  
نقدوبرسی از کتاب لندن» (London Review of Books) بیرون آورده شده است و توسط اینجانب  
ترجمه شده است مطالعه نماید !

« بارک اوباما » مکرراً اصرار میورزید و یا تاهمین اکنون تاکید میدارد که « بشرال اسد »  
باید از قدرت کنار رود چونکه در سوریه گروهی از شورشیان میانها رو وجود دارد که  
« بشرال اسد » را به شکست مواجه سازد و یا دولت او را منقرض سازد- « اوباما » در  
این سال های اخیر بصورت تفتین آمیز مخالفت اداره و دولت خود را علیه دولت « اسد »  
بگونه ای آشکار در میان برخی از افسران ارشد در ستاد مشترک پنتاگون برملا ساخت  
و بر متحد نزدیک « اسد » آقای ولادیمیر پوتین انتقاد نمود که او تلاش بخرچ میدهد که  
دولت « اسد » را پا برجا و استوار نگه دارد و چنین ابراز نظر نمود که به باور آنها  
« اوباما » متمایل به جنگ سرد علیه روسیه و چین میباشد ولی موقف و موضوع خود را  
به ارتباط سوریه و این هردو کشور که باید اضطراب خود را با واشنگتن مبنی بر گسترش  
تروریسم در سوریه به اشتراک گذارند و همنظر با واشنگتن جلو فعالیت های دولت اسلامی  
را بگیرند روشن ساخت .

مقاومت در برابر ارتش نیرومند ایالات متحده آمریکا در تابستان سال (2013) گذشته  
را نباید از نظر دور داشت ، ارتشی که توسط آژانس اطلاعاتی دفاعی (DIA) و ستاد

مشترک ارتش امریکا با ارزیابی همه جانبه و بصورت کلاسیک رده بندی شده بود و در تحت قومانده جنرال مارتین دیمپسی (Gen. Martian Dempsey) قرار داشت . با در نظر داشت همچو آماده گی نظامی مشا ورین واگهان امور نظامی چنین پیشبینی می نمودند که ایجاد هرج و مرج توسط قوت های جهادی افراطی به سقوط رژیم اسد آنچنانیکه در لیبیا اتفاق افتاد منجر خواهد شد . یک مشا ور ارشد اسبق ستاد مشترک ارتش ایالات متحده امریکا بمن گفت : که اسناد بدست آمده از همه منابع چه از طریق سگنال های ستلایت و چه توسط کارمندان اطلاعاتی چنین میرساند که اداره « اوپاما» بشکل کمرنگ کمک های مالی خود را به گروپ مسما به شورشیان میانه رو در سوریه ادامه میدهد .



جنرال میخایل فلیم (Gen. Michael Flym) مدیر آژانس اطلاعاتی دفاعی (DIA) ایالات متحده امریکا بین سالهای (2012 تا 2014) تاکید نمود که نمایندگی یا سازمان ما سلسله ای از هشدار های دقیقاً رده بندی شده پیهم را به ارتباط سرنگونی قریب الوقوع «اسد» به رهبری غیر نظامیان فرستاده است . او گفت جهادی هایکه در تحت کنترل مخالفان قرار دارند ترکیه به اندازه کافی در مرزهای خود از قاچاق آن جنگجویان خارجی وسلاحها جلوگیری بعمل نمی آورد یعنی اقدام به توقف قاچاق جنگجویان خارجی وسلاح نمیکند – با در نظر داشت این وضع اگر مردم عامه ای ایالات متحده امریکا آن اطلاعاتی حساسی را که ما در فعالیت های روزمره خود بدست می آوریم ملاحظه نمایند و یا از همچو اطلاعات حساسیت برانگیز مطلع شوند به یقین که ما را به گلوله خواهند بست . این مطلب را جنرال فلیم (M. Flym) بمن گفت : که ما کاملاً واقف هستیم و یا اینرا میدانیم که دولت اسلامی عراق و شام بخشی از پلان ستراتیژی تبلیغاتی دورنمایی ما میباشد و ما در عین زمان بین خود به بحث این واقعیت نیز پرداخته ایم و آن اینکه ترکیه در این آرزوی است تا در داخل سوریه دولت اسلامی عراق و شام ایجاد – پیشرفت وقوام نماید او همچنان به ارتباط گذارش آژانس اطلاعاتی دفاعی ایالات متحده امریکا گفت : اگر از پالیسی اداره « اوپاما » به عقب برگردیم در آنصورت

به مقاومت شدید مواجهه خواهیم شد و آن اینکه من چنین می اندیشم که آنها تحمل شنیدن این واقعیت را نخواهند داشت. و از جانبی باید اذعان کرد که پالیسی ما مبنی بر حمایت و مسلح ساختن مخالفان «اسد» کاملاً یک پالیسی ناموفقانه و در واقعیت امر با یک دست آورد منفی همراه خواهد بود که نباید از آن اغماض شود.

مشاور قبلی ستاد مشترک ایالات متحده امریکا طی یک صحبت خود گفت: ستاد مشترک به این باور است که «اسد» نباید با افراط گرایان تعویض شود که در آن صورت در صفت مخالفان «اسد» افراط گرایان متبازر خواهند شد پس کی باید در عوض «اسد» زمام امور سوریه را بدست گیرد و یا بر سر اقتدار آورده شود گفتن و زمزمه کردن این امر که «اسد» کنار رود در واقعیت امر رفتن به آتش است اما شما اگر این راه و روش را دنبال نمایید که هرکس نسبت به «اسد» خوب است - این موضوع که هرکس خوب است در این صورت میتواند گفت که ستاد مشترک ایالات متحده امریکا نیز همنظر و هم عقیده به پالیسی (اوباما) است. در حالیکه ستاد مشترک ایالات متحده امریکا به این باور است و یا آنرا درک نموده است که همچو طرز تفکر جز چلنجی به مقابل پالیسی اداره «اوباما» چیزی دیگری نخواهد بود و چانس بدست آوردن موفقیت صفر خواهد بود - لذا بادر نظر داشت این باور مندیها آنها در خزان سال (2013) چنین فیصله بعمل آوردند که باید علیه افراط گرایان بیدون پیمودن راه و چینل دیپلوماسی مستقماً داخل اقدام شوند و زمینه کار و فعالیت اطلاعاتی ایالات متحده امریکا را با نظامیان کشورهای دیگر شریک سازند البته با درک این موضوع که ارتش «اسد» را علیه دشمن مشترک یعنی علیه جبهه النصر و دولت اسلامی عراق و سوریه بکار اندازند.

مطلب مهم قابل یاد آوری دیگر اینست که جرمنی - اسرائیل و روسیه در تماس با ارتش سوریه هر یک به زعم خویش در پی مشق و تمرین اند تا اگر بتوانند بالای تصامیم «اسد» نفوذ داشته باشند و سرویس اطلاعاتی ایالات متحده امریکا نیز میخواهد با تبادل و به اشتراک گذاشتن اطلاعات اش با آنها برای خود جای پا در یابد از اینکه این کشورها با داشتن دلایل و برهان منحصر بفرد میخواهند از «اسد» حمایت نمایند جای خود را دارد - جرمنی ترس از آن دارد که با توسعه یابی دولت اسلامی عراق و سوریه بر نفوس شش میلیونی مسلمانان جرمنی چه تاثیراتی خواهد بخشید - نگرانی اسرائیل به ارتباط تامین امنیت مرزها یش میباشد و روسیه از اینکه به صفت متحد دایمی سوریه باقی مانده است در مورد امنیت و ثبات پایگاه نیروی دریای خود در دریای مدیترانه و در طارطوس (شهر در غرب سوریه) نگران میباشد و از جانبی ما نیز قصد نداریم که از پالیسی اداره «اوباما» انحراف نمایم مشا و رستاد مشترک ارتش امریکا می افزاید: به اشتراک گذاشتن ارزیابی ها و بررسی های اطلاعاتی در روابط نظامی به نظامی با کشورهای دیگر نتایج مثمر در بر خواهد داشت و این کاملاً روشن است که «اسد» نیاز بیشتری به تکنیک های اطلاعاتی و مشوره های عملیاتی دارد که روی این اصل ستاد مشترک

ایالات متحده آمریکا از گفته های فوق چنین استنباط می نماید و یا نتیجه میگیرد که اگر این نیازمند یها جا مه عمل بیوشد در آنصورت پیمانها ای مبارزه علیه تروریست های افراطی بیشتر گسترش خواهد یافت و «اوباما» نخواهد دانست که باید هم نداند آنچه که در هرگونه شرایط ستاد مشترک ایالات متحده آمریکا چیزی را انجام میدهد که البته این گفته در مورد تمام روسای جمهور صدق میکند .

باید خاطر نشان ساخت که تاریخ عمومی روابط بین ایالات متحده آمریکا و سوریه در طول چند دهه گذشته خصمانه بوده ، «اسد» تهاجم «9/11» را محکوم نمود ولی در مقابل جنگ عراق مخالفت خود را اشکار ساخت - «جورج بوش» در طول مدت زمامداری خود مکرراً سوریه را به سه عضو از «محور شرارت» اعم از عراق ، ایران و کوریای شمالی مربوط و وابسته میدانست - طوریکه نوار وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا که توسط ویک لیکس (WikiLeaks) افشا و همگانی گردید در آن نوار ضبط شده بوضاحت ملاحظه میشود که اداره «بوش» پیوسته در تلاش بی ثبات ساختن سوریه از هیچ نوع تلاش دریغ نمی نماید و این تلاش ها تا سالهای بقدرت رسیدن «اوباما» نیز دوام داشت توام به آن در سال (2006) ویلیم رویبوک (Williem Roebuk) و بعداً مسول سفارت ایالات متحده آمریکا در دمشق دست به فعالیتی زد و آن اینکه او بعد از تحلیل و ارزیابی دقیق بمنظور آسیب پذیری دولت «بشر ال اسد» میتود ها و راههای رسیدن به هدف اش را در یک لیست ردیف کرد و آنرا طی یک پیشنهاد بمقامات و اشنگتن ارسال نمود و از آن مقام خواست تا با عربستان سعودی و مصر کار مشترک را بخاطر افزایش تنش فرقه ای در سوریه آغاز نمایند و فعالیت های خود را بیشتر به نوع از تبلیغات متمرکز سازند که گویا تلاش های دولت سوریه علیه گروه های افراطی - سنی های رادیکل و کردهای تجزیه طلب چندان مثمر نبوده و در عین زمان در جستجوی راههای باید شد که در آن علایم مبنی بر ضعف بودن و عدم کنترل دولت سوریه را اشکار سازد و به این شکل درمنزوی ساختن رژیم «اسد» باید دست بکار شد و در عین زمان ایالات متحده آمریکا باید «جبهه نجات ملی سوریه» را در تحت رهبری حلیم خدام (Halim Khaddam) سابق معاون رییس جمهور سوریه و اکنون با داشتن حکومت به اصطلاح جلای وطن در ریاض که در زیر پوشش کمک های مالی عربستان سعود و برادران اخوان قرار دارد کمک و مساعدت نماید. چیزی دیگری که در این لست ردیف شده سال (2006) دیده میشود چنین بود : که سفارت ایالات متحده آمریکا در دمشق مبلغ پنج میلیون دلر را در اختیار کاندیدان مخالف دولت «اسد» تحت عنوان نامزدان مستقل به مجلس نمایندگان بخاطر مصارف انتخابات پارلمانی آنها گذاشته و موضوع پرداخت این مبلغ را تا مدت های طولانی پنهان داشته تا آنکه کارمندان اطلاعاتی سوریه موضوع پرداخت مبلغ متذکره را سراغ مینمایند و میفهمند که

چه واقع شده است همچنان در نوار ضبط شده ای سال (2010) ملاحظه میشود که مبلغ قابل ملاحظه از طرف منابع ضد دولت سوریه برای مصارف یک شبکه تلویزیونی واقع در لندن که مربوط به مخالفین دولت سوریه میباشد پرداخته میشود که این خود یک حرکت آشکار و خصما نه علیه دولت و مردم سوریه چیزی دیگری نمیباشد.

ولی در اینجا آنچه که قابل ذکر میباشد اینست که با وجود خصومت های موجود بین سوریه و ایالات متحده آمریکا آنها باز هم در عین زمان بین خود همکاریهای موازی نیز دارند و آن به این مفهوم که هر دو کشور در همکاری با هم ضد القاعده بعنوان دشمن مشترک مبارزه می نمایند مدت ها قبل یک مشاور اطلاعاتی مربوط آژانس اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا چنین ابراز نظر نمود و گفت: (بشر ال اسد) بعد از رخداد (9/11) برای سالها بصورت هر چه گسترده تر برای ایالات متحده آمریکا کمک و همکاری نموده که به نظر من ما خود در بازنگری خود مردم زشت و زمخت میباشیم زیرا که کمک های دیگران را زود فراموش میکنم بخصوص که «بشر الاسد» در عصر و زمان طلایی خود از هیچگونه همکاری با ما دریغ نکرد چنانچه او حتی بعد از ختم زمامداری «بوش» به همکاریهای خود نیز دوام داد ولی بد بختانه که ما خود تصمیم گرفتیم که او را بد نام سازیم - قابل تذکر است و آن اینکه «اسد» در سال (2002) به نهاد اطلاعاتی خود اختیار داد که دوسیه ها و سوابق فعالیت های تمام برادران اخوان که در سوریه و جرمی فعالیت نموده اند دقیقاً بررسی شود بعد از آن سال کارمندان اطلاعاتی سوریه موفق به کشف معلومات مبنی بر تعرض القاعده بالای مرکز فرماندهی نیروی دریایی پنجم ایالات متحده آمریکا واقع در بحرین گردیدند و توانستند که آن تهاجم را در نطفه خنثی نمایند. همچنان «اسد» موافقه نمود که یک گماشته خوب و خبرچین از نهاد القاعده را برای سازمان (سی آی ای) تدارک نماید ولی خود سازمان (سی آی ای) این توافقنامه را نقض کرد و آن اینکه با همان خبرچین مستقیماً تماس برقرار نمود بدون آنکه «اسد» و یا گرداننده سوریه را در جریان گذارد که با همین نوع برخورد آن خبرچین پیشنهاد «سی آی ای» را رد نمود و مناسبات خود را با گرداننده سوریه قطع نمود «اسد» همچنان تمام متعلقین صدام حسین را که میخواستند در سوریه پناهنده شوند و یا تمام متحدین آمریکا را که در تایلند و اردن و مصر نسبت به فعالیت های اعم از ترور و شکنجه و ... مشکوک شناخته شده بودند و در دمشق محبوس بودند بشکل مخفیا نه به مقامات امریکای تحویل داد و یا برگشتاند.

توأم باروند همچو همکاریها چنین به نظر میرسد که دمشق در سال (۲۰۱۳) ممکن به توافقی برسد که با آژانس اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا بصورت غیر مستقیم در تبادل اطلاعات همکاری نماید - با در نظر داشت این موضوع ستاد مشترک ایالات متحده آمریکا بضرر تامین و استحکام همچو همکاریها چهار نیازمندی خود را به جانب سوریه

پیشکش نمود : **یک** : «اسد» باید «حزب الله» را مهار نماید که بالای اسرائیل تھا جم نه نماید . **دو** : او باید روند مذاکرات متوقف شده را با اسرائیل بخاطر تعیین سرنوشت بلندی های گولان از سرگیرد **سه** : «اسد» باید تمام مشا ورین نظامی روسیه و کشورهای دیگر را از کشور اخراج نماید . **چهار** : «اسد» باید متعهد گردد که بعد از ختم جنگ با طیف گسترده ای از طرف های درگیر در جنگ بشمول که ما از اسرائیلی ها توقع بازخورد (feedback) مثبت و سرگرم کننده به این نظریه را داریم انتخابات را به راه اندازد و در عین زمان منتظر آن نیز میباشیم که واکنش ایران و سوریه در این مورد از چسان است ؟

مشاورستان مشترک ارتش ایالات متحده امریکا در این مورد بمن گفت : سوری ها بما گفتند که «اسد» بصورت یکجا نبه نمیخواهد در این مورد تصمیم گیرد او یعنی «اسد» نیاز به حمایت ارتش و متحدین علوی خود دارد همچنان اسد نگران آن بود که اسرائیل نگوید که بلی ، که در آن صورت در انجام این معامله حمایتی را بدست نخواهد آورد . یک مشاور ارشد از کریملین در مسایل شرق میانه بمن گفت که در اواخر سال (2012) بعد از عقب نشینی از درگیری یک جنگ شدید و شکست نظامی ، «اسد» خواست تا از طریق مسکو با اسرائیل مذاکرات در باره بلندی های گولان را از سرگیرد که اسرائیل این خواست «اسد» را نه پذیرفت و آنرا رد نمود آنها گفتند که «اسد» ختم شد - این منبع رسمی روسیه بمن گفت که ترکیه همین خواست مشا به را از مسکو نیز نموده بود بهر صورت سوری ها در اواسط سال (2013) درک نمودند که چیزی بد و ناگوار برای سوریه در عقب پرده در حال نضج گیری است و آن اینکه ایالات متحده امریکا و شرکا به ارتباط پیشکش کمک های شان فوق العاده جدی میباشند . مشا و رستان مشترک ارتش ایالات متحده امریکا گفت که در مراحل اولیه و مقدم مذاکرات ، ستاد مشترک ارتش ایالات متحده امریکا تلاش نمود فرصتی را مساعد سازد تا آنچه را که «اسد» به آن نیاز دارد و در ازای آن خواست های «اسد» بر آن بود تا بداند که «اسد» در رابطه به خواسته های خوب خود به ارتباط ایالات متحده امریکا از خود چه حسن نیت نشان میدهد؟

جوابات از طریق یک دوست «اسد» یعنی از طریق ریس شهزاده بندار بن سلطان (Bandar bin sultan) همچو به صفت یک میانجی به او ارسال میشد - ستاد مشترک ارتش ایالات متحده امریکا بندار بن سلطان را به اجرای این وظیفه مجبور نمی ساخت - باید خاطر نشان ساخت که بندار بن سلطان در عربستان سعودی برای یکدهه در بخش مسایل امنیتی و اطلاعاتی برای کشور خود اجرای وظیفه نموده و او همچنان برای مدت بیست سال به صفت سفیر کشورش در واشنگتن اجرای وظیفه نموده و از جانبی در این اواخر بنا به برخی از اطلاعاتی که به مقامات بلند بالای عربستان سعودی مبنی

براینکه او یکی از حامیان و پشتیبان اسد میباشد میرسید که با در نظر داشت همین درک و فهم او را از وظیفه اش عزل نمودند و او نیز به بها نه ای ناتوانی صحنه خویش سال گذشته از سمت ریاست شورای امنیت ملی عربستان سعودی استعفی داد. ولی آنچه که نباید از آن چشم پوشی کرد اینست که عربستان سعودی همچو پیگیری از تمویل کننده وجهه مالی مخالفین دولت سوریه میباشد که بطور تخمین هر سال مبلغ بیش از (700) میلیون دلار به مخالفین بشر الاسد تحویل مینماید .

در جولای سال (2013) ستاد مشترک ارتش ایالات متحده آمریکا مستقیماً طی یک نمایش به «اسد» وانمود ساختند که آنها به ارتباط کمک های خود به او چقدر جدی اند بعداً سازمان اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا (سی آی ای) بصورت مخفیانه سیلی از انبارهای سلاح کشنده و مهمات جنگی را از لیبیا از راه ترکیه به نیروهای مخالف دولت سوریه انتقال داد که سلسله دوام این انتقالات سلاحها مدت بیشتر از یک سال را (یعنی آغاز انتقالات سلاحها از لیبی کمی بعد از مرگ معمر القذافی در بیست اکتوبر سال «2011») دربرگرفت- روند این انتقالات و یا انجام این عملیات مخفی توسط یک بخش خاص ضمیموی سازمان سیا «CIA» در همکاری با وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا مورخ یازدهم سپتمبر (2012) تحت رهبری مستقیم سفیر ایالات متحده آمریکا آقای کرسٹوفر ستینیس (Christopher Stevens) در لیبیا «بن غازی» تنظیم و بکار انداخته شد کسیکه در تظاهرات ضد امریکایی کشته شد یعنی وقتیکه تظاهر کننده گان قونسلگری ایالات متحده آمریکا را در بن غازی به آتش کشیدند بعداً خبرنگاران و اشنگتن پست نسخه ای از برنامه سکجول شده سفیر «کرسٹوفر» را از تعمیر به آتش کشیده شده دریافتند که در آن وقت ملاقات سفیر با ریس ضمیموی عملیات (سی آی ای) تاریخ دهم سپتمبر تعیین شده بود که بعد از سپری شدن یک روز خبر مرگ ناگهانی سفیر توسط نماینده حمل و نقل دریایی (Al Marfia) که مقعر این شرکت حمل و نقل در تریپولی (Tripoli) میباشد اشاعه گردید باید خاطر نشان ساخت که مشاور ستاد مشترک نظامی ایالات متحده آمریکا در این مورد چنین بیان نمود: که ستاد مشترک ارتش ایالات متحده آمریکا از انتقالات سلاحها به مخالفین دولت سوریه از لیبیا به سوریه قبلاً آگاهی داشت .

در اواخر تابستان سال (2013) ارزیابی آژانس اطلاعاتی دفاعی ایالات متحده آمریکا بصورت هرچه گسترده تر منتشر گردید، و در کنار آن اکثر حلقهات و جوامع اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا میدانستند و یا از این آگاهی برخوردار بودند که در بین مخالفان دولت سوریه شمار افراط گرایان بیشتر و متبازل است و از جانبی به تاسی از حمایت و کمک سازمان اطلاعاتی (سیا) ایالات متحده آمریکا مبنی با نقل و انتقال سلاحها از لیبیا به سوریه پرابلمی برای ارتش سوریه خلق نمود و پیوسته به آن غارت و چپاول ذخایر سلاح های دولت «معمر القذافی» بازار خرید و فروش سلاح را در سطح بین المللی با

قیمت بلند باز کرد و با وجود مجوز از جانب رییس جمهور غیر ممکن به نظر می آمد که راه انتقالات سلاح را که توسط پیمانکاران و شرکت ها صورت می گرفت مسدود و متوقف ساخت - بهر صورت در این مورد مشاور ستاد مشترک ارتش ایالات متحده امریکا چنین گفت: یگانه راهی که میتواند نیست این درگیری را حل کند یعنی از این معضله راه بیرون رفت را پیدا کرده مانا راه حل تجدید نظر طلبی جا نبی بود. چنانچه با در نظر داشت همین اصل سازمان (سی آی ای) با طرح یک پیشنهاد و به همکاری نماینده ستاد مشترک ارتش ایالات متحده امریکا به چنین اقدام دست بکار شد و آن اینکه سلاحهای که در دیپوها و زرادخانه های ترکیه که همین اکنون وجود دارد و از نظر قیمت نیز مناسب است باید که این سلاحها را به بسیار آسانی بدست آورد و در مدت کمتر از یک روز به دسترس مخالفان دولت سوریه قرار داد بدون آنکه با مشکلات چند سلاحها را توسط کشتی از لیبیا به سوریه انتقال داد که با این اقدام نه تنها که سازمان سیاه منفعت بیشتر بدست خواهد آورد بلکه ترکیه نیز از این اقدام برخوردار خواهد شد و ما با این کار خود در شناخت آنها یک طرفدار و یا پشتیبان ایرضوان (Erdogan) نیستند کاری را از پیش خواهیم برد و برای بسر رساندن این عمل با ترک ها یکجا کار خواهیم کرد، مشاور در این زمینه اضافه نموده میگوید: که بعد از شناخت همچو کسان میتوان آنها را بنام جها دیها همراه با سلاحهای از زردخانه های ترکیه که شامل (MI carbines) است و از زمان جنگ کوریا تا اکنون از نظرها دور مانده است یکجا با سلاحهای ساخت اتحاد جماهیر شوروی موجود در دیپوهای ترکیه بشکل قاچاق به سوریه ارسال نمایم تا برای درک و فهم «اسد» یک پیغامی باشد چونکه ما دارای توان و قدرتی هستیم که ما میتوانیم پالیسی یک ریاست جمهوری را در تمام مسیرهای آن خرد و خمیر نمایم و در عین زمان باید یاد آور شد که روند و جریان اطلاعاتی ایالات متحده امریکا به ارتش سوریه و ارسال سلاحهای بی کیفیت به شورشیان سوریه در این برهه از زمان قابل انتقاد میباشد ولی با آنهم تلفات و ضایعات ارتش سوریه که در بهار سال (۲۰۱۳) در مبارزه علیه جبهه النصر و دیگر گروههای افراطی صورت گرفت و منجر به سقوط شهرها و ولایات به تصرف این نیروها و بویژه که مرکز ولایت (رقه) در تحت اداره نیروهای مخالف دولت سوریه قرار گرفت میتواند که از اهمیت بسزای برخوردار باشد. گرچه ارتش و نیروها هوایی سوریه بصورت پراکنده بالای مناطق از دست رفته و شان برای چند ماهه درگشت و گذر و گزله زنی بودند تا آنکه تصمیم گرفتند که از (رقه) و از مناطق دیگر واقع در شمال و غرب کشور که دارای جمعیت کم بوده و دفاع از آن محلات نیز مشکل به نظر میرسید بیرون شوند و در عوض توجه شان را بخاطر دفاع از دمشق و نواحی پر جمعیت و نزدیک به مرکز بویژه از «لازقیه» در شمال غرب متمرکز سازند باید اذعان کرد هر وقت که ارتش سوریه در مقابله با مخالفین خود در جنگ نیرومند



شده - عربستان سعودی، قطر و ترکیه در همکاری با ستاد مشترک ارتش ایالات متحده آمریکا وجوه مالی و پیمانہ تجهیزات و مهمات جنگی بشمول سلاح های کشنده شان را بیشتر ساخته و به دسترس جبهہ النصر و دولت اسلامی عراق و سوریه گذاشته اند. شورشیان و مخالفین متباقی غیر افراطی در جنگ با شورشیان افراطی اکثر محلات را از دست داده و مواجه به شکست شده اند.

در ماه جنوری سال (2014) دولت اسلامی عراق و سوریه کنترل عام و تام (رقه) و مناطق قبایلی اطراف آن ولایت را از تصرف جبهہ النصر آزاد و در تحت تصرف خود قرار داده و آن را بعنوان شهر مرکزی و پایگاه خود اعلان نمود - ولی نباید فراموش کرد که (اسد) در این وقت یعنی تا هنوز بیش از (80) فیصد نفوس کشور را در تحت حاکمیت خود داشت گرچه اکثر محلات و ساحات را از دست داد.

سازمان سیاه (سی آی ای) که پیوسته مخالفین دولت سوریه را در همه ابعاد آن کمک مینماید تلاش بخرچ داد تا نیروهای میانه رو و معتدل از مخالفین دولت (اسد) را در کمپ آموزشی واقع در اردن که در تحت تصرف گروه های قبایلی و قومی سوریه قرار داشت تحت تریننگ و آموزش قرار دهد، که در اینمورد مشاورستان مشترک ارتش ایالات متحده آمریکا چنین بیان داشت ویاچنین خاطر نشان ساخت: آنهایکه در این کمپ بخاطر فراگیری مهارت های جنگی نام نویسی کرده بودند شماری از آنها در تحت اشتباه و سوظن آموزگاران این مرکز آموزشی قرار گرفتند و آن هم به این سان که آنها با تغییر یونیفورم اصلاً ممکن مربوط به سربازان دولت سوریه باشند چونکه همچو رخداده در گرما گرم جنگ عراق نیز یکبار اتفاق افتاده بود یعنی که شماری از شبه نظامیان عراقی مربوط به اهل تشیع با تغییر یونیفورم رسمی برای فراگیری مهارت های جنگی در مرکز آموزشی نظامی که توسط کارشناسان نظامی (سی آی ای) تریننگ میشد ثبت نام نمودند و بعد از سپری شدن چندی باسلاحهای در دست داشته ای خوددفعتاً در دشت های عراق نابدید و از نظر ها دور شدند. بیجا نخواهد بود که از یک مرکز آموزشی مهارت های نظامی و جنگی واقع در ترکیه که توسط پنتاگون باز شده بود و از چندان رونق بهتر و خوب برخوردار نبود ذکر بعمل نیاوریم و آن اینکه پنتاگون در ماه سپتمبر موضوعی را درک نمود که تنها چها رویا پنج نفر از استخدام شونده هایش به نفع دولت اسلامی عراق و سوریه می جنگیدند و دیری نگذشته بود که در حدود (70) فیصد از این استخدام شده گان بعد از آنکه از مرز بین ترکیه و سوریه عبور و داخل سوریه شدند فوراً به صفوف جبهہ النصر پیوستند.

در ماه جنوری سال (2014) ایالات متحده آمریکا توام با مخالفان دولت (اسد) تحت رهبری اش به نسبت عدم پیشروی کم در جبهات جنگ که دچار یاس و ناامیدی شده بود آقای جان برینن (John Brennan) دایرکتر (سی آی ای) روسای کارمندان اطلاعاتی

امریکا و مدیران اطلاعاتی سنی مذهب عرب را از سراسر شرق میانه با متقاعد ساختن عربستان سعودی مبنی بر اینکه دگر به افراط‌گرایانی که در سوریه می‌جنگند بیشتر کمک نه نماید غرض گفتگو در جلسه ای کاملاً سری تحت نظر خود واقع در واشنگتن فرا خواند - چنانچه هیئت مسول عربستان سعودی بما گفتند که ما از شنیدن این موضوع که نباید بیشتر جنگجویان افراطی را در سوریه کمک و حمایت نماید خوشحال شدیم - مشاور ستاد مشترک ارتش ایالات متحده امریکا در اینمورد چنین گفت: لذا هرکس که بمنظور اشتراک در این جلسه ای کاملاً سری به واشنگتن آمده بود و درجا های خود قرار گرفتند و خواستند تا از دایرکتر (سی‌آی‌ای) آقای «جان برینن» چیزی بشنوند به او گوش فرا دادند «جان برینن» خاطر نشان ساخت که در دیدار با مسولین به اصطلاح میانه‌روهای مخالف دولت (اسد) پیاپی قابل توجه را بدست آوردم و بر بنیاد همین پیام می‌خواهم صریحاً بگویم و آن اینکه: که اگر هرکس در این حوزه و محل حمایت خود را از جبهه النصر و دولت اسلامی عراق و سوریه قطع نماید و راهای خوار و بار و غذا و دسترسی به سلاح و مهمات و نیازهای آنها را مسدود یا بخشکانند در آن صورت بُرد با میانه‌روها خواهد بود. بهر صورت هنگامیکه «جان برینن» دوباره بخانه اش برگشت و خواست که به پیمانها ای کمک‌های خود به افراط‌گرایان بیافزاید از ما تقاضا بعمل آورد که ما با ید کمک‌های بیشتر تکنیکی به افراط‌گرایان بنماییم و ما نیز تقاضای او را پذیرفتیم و گفتیم هوکی! و بعد از آن بخاطر هرچه نیرومندتر شدن افراط‌گرایان تلاش بخرچ دادیم. اما در این مورد تنها سعودی‌ها دور از پرابلم بودند اما مورد خاص قابل توجه این بود که مسولین اطلاعاتی ایالات متحده امریکا با رهگیری‌ها و جمع‌آوری اطلاعات بدست آمده نشان دادند که حکومت اردضوان (Erdgon) از سالهای چندی به اینطرف جبهه النصر را حمایت و پشتیبانی مینماید. همانطوریکه اکنون دولت اسلامی عراق و سوریه را در تحت حمایت خود قرار داده است لذا ما میتوانیم که به سعودی‌ها رسیدگی نماییم - مشاور در این مورد گفت: ما میتوانیم به برادران مسلمان نیز رسیدگی نماییم و شما ایا میتوانید موافق به این باشید که توازن همه جانبه در شرق میانه استوار بروی یک هرم متقابل مطمئن بین اسرائیل و تمام شرق میانه و ترکیه پایه‌گذاری شده است که البته هر نوع تخریب این هرم متقابل باعث برهم خوردن این هرم خواهد گردید و این موضوعی است که اردضوان (Erdgon) آنرا بخواب می‌بیند. ما به اردضوان گفتیم که این کانال و مسیر آمده‌های جهادپرست‌های خارجی را به ترکیه ببند و قطع نماید ولی او خواب عمیق بازگرداندن امپراتوری عثمانی را می‌بیند و هرگز درک نمیکند که برآورده شدن این توقع جز خیال چیز دیگری نیست. یک موردی که در امور ایالات متحده امریکا بعد از سقوط اتحاد جماهیر شوروی ثابت و پایبرجا باقی مانده است، روابط و مناسبات نظامی امریکا با نظامیان روسیه است

– بعد از سال (1991) ایالات متحده امریکا به بلیون ها دالر روسیه را بخاطر تامین امنیت کمپلکس سلاح های هستوی اش کمک نموده است که این کمکها شامل عملیات مشترک بسیار سری و حذف سلاحهای غنی شده بایورانیوم از مخازن ناامن در قزاقستان و برنامه ای مشترک بمنظور نظارت دوامدار برای مدت دو دهه در آینده از سلاحهای با داشتن مواد هستوی رایادکرد . با در نظر داشت این مناسبات حسنه ای نظامی که بین این دو قدرت جهانی موجود است میتوان بالمقابل از کمک های روسیه که به امریکا نموده است در اینجا از آن کمک ها بشکل نمونه یاد کرد : روسیه در جنگ امریکا در افغانستان برای ایالات متحده امریکا حق ترانزیت و اجازه پرواز به هواپیماهای آن کشور داد تا برای سربازان و نظامیان خود در افغانستان تجهیزات و سلاحها و تانکرها بشمول مواد خوراکی اعم از غذا و آب و ... را برساند . روسیه همچنان توسط کارمندان نظامی اطلاعاتی خود محل بود و باش « اوساما بن لادن » رابه ایالات متحده امریکا افشا نمود و علاوه بر آن روسیه برای امریکا اجازه داد تا در قزغزستان پایگاه هوایی داشته باشد . از سوی دیگر جنرال دیمپسی ( Gen. Dempsey ) از ستاد مشترک ارتش ایالات متحده امریکا مبنی بر روابط حسنه بین این هر دو کشور بیان داشت که من با همتای روسیه خود به ارتباط جنگ سوریه نیز وقتاً فوقتاً به مذاکره میپردازیم او یعنی جنرال دیمپسی ریس ستاد مشترک ارتش ایالات متحده امریکا در ماه اگست چند هفته قبل از آنکه از وظیفه سبکدوش و متقاعد گردد یک دیدار تودییی از قرارگاه مرکزی نیروهای دفاعی واقع در دوبلین ایرلند بعمل آورد او در خطاب به شنوندگان خود چنین گفت: من بشما یک نقطه ای را خاطر نشان میسازم و آن اینکه وقتی که من داخل وظیفه بودم با ریس کل جنرال ستاف روسیه جنرال گریزیموف ( Gen. Gerasimov ) اکثراً به ارتباط بودم و باهم پیرامون موضوعات متعدد صحبت و مذاکره میکردیم من به او در این اواخر پیشنهاد نمودم که روابط ما باید بعد از این هم ثابت و برقرار باقی بماند - جنرال دیمپسی همچنان از یک قوماندان المان غرب و از یک فرمانده المان شرق نیز بخوبی یاد آوری نمود و از آنها اظهار تشکر نمود .

باید خاطر نشان ساخت که با وجود مناسبات حسنه ای نظامی بین روسیه و ایالات متحده امریکا که از آن در فوق ذکر نمودیم - وقتیکه موضوع مقابله علیه دولت اسلامی پیش می آید روسیه و ایالات متحده امریکا هر دو چیزی های زیادی برای یکدیگر عرضه میدارند- قابل تذکر است که شماری از رهبران و مقامات عالی رتبه دولت کنونی اسلامی و جنگجویان آنها بیش از یک دهه در برابر نیروهای روسیه در دو جنگ چیچن که در سال ( 1991 ) آغاز گردیده بود جنگیده اند که دولت پوتین در مبارزه علیه تروریسم اسلامی متقبل مصارف گزافی شد روی این اصل به ارتباط دولت اسلامی و نحوه برخورد و ستراتیژی آنها کاملاً آگاهی دارد و آنها را از سالهای جنگ چیچن بهتر می شناسد . لذا

در این مورد مشاورستاند مشترک ارتش ایالات متحده امریکا چنین افاده نمود: «بینش من از روشهای عملیات و به اشتراک گذاشتن اطلاعات بود او در ادامه صحبت خود افزود ما مربیان بسیار عالی و باتجربه و کار فہمی داریم کہ در طی سالهای جنگ ہنگام تربیہ و تریننگ نمودن جنگجویان خارجی بدست آورده اند کہ روسیہ از داشتن همچو تجارب فقیر و محروم است ولی این مشاور امریکایی در مورد خبرچین ها و کارمندان اطلاعاتی ایالات متحده امریکا روشنی نہ انداخت کہ آنها نیز ہمنظر مشا و ر اند آنطوریکہ برای رسیدن بہ ہدف از قبل تعیین شدہ ای خویش مبالغہ ہنگفتی را از کیسہ ای شبہ نظامیان شورشی خارجی برای بدست آوردن یک اطلاعیہ میپردازند .

یک مشاور اسبق قصر سفید مسول مناسبات امور روسیہ بمن گفت: «قبل از واقعہ (9/11) پوتین با استفادہ از فرصت بما گفت: ما کابوسی های مختلف و مشابہ را در اکثر حصص دنیا میبینیم او بہ پرابلم مربوط کشور خود یعنی بہ خلافت در چین و بہ سازمان القاعدہ یعنی بہ موضوع اولی کہ ما بہ آن درگیر شدیم اشارہ کرد .

در این روزها بعد از بمب گذاری میتروجیت (ہواپیمای روسیہ) در سینای مصر و قتل عام مردم در پاریس و جاہای دیگر پرابلم های غیر مترقبہ ای اند کہ بمشکل میتوان از آن اجتناب ورزید لذا ما در واقعیت کا بوس های مشابہہ و ہمسان را در جاہای مختلف میبینیم و یا مشاہدہ میکنیم و جای تعجب در اینجا است کہ «اوباما» پیوستہ روسیہ را سرزنش مینماید کہ چرا بہ حمایت خود از «بشر الاسد» دوام میدہد- یک دیپلومات ارشد متقاعد کہ در سفارت امریکا در مسکو ایفای وظیفہ می نمود در رابطہ بہ «اوباما» چنین اظهار نظر مینماید من او را برای اینکہ بعنوان یک رہبر ایتلاف غرب در مقابلہ و تضاد بہ روسیہ بہ نسبت تجاوز روسیہ بالای او کراین بشناسم و بہ او نیت نیک و یا سمپتی خود را اشکار سازم در دوراهی قرار گرفتم. موضوع او کراین بہ نظر من خیلی جدی بود و «اوباما» نیز با جدی گرفتن این موضوع علیہ روسیہ تعزیرات محکمی را وضع کرد ولی پالیسی ما در برابر روسیہ اغلباً بشکل غیر متمرکز باقی ماند. نہ تنها بہ ارتباط سوریه بلکہ همچنان بہ ارتباط اینکہ «اسد» بازندہ نیست یعنی کہ او از قدرت کنار نمیروہد واقعیت امر چنین است کہ پوتین نمیخواہد کہ در سوریه ہرج و مرج را مشاہدہ نماید و دامنه آن بہ اردن و یا لبنان گسترش یابد آنچنانیکہ در عراق همچو ہرج و مرج رخداد و یا بوقوع پیوست . واقای پوتین سر انجام نمیخواہد کہ سرنوشت سوریه بدست دولت اسلامی عراق و شام بیافتد - معکوس آن آنچه کہ اوباما انجام داد بہ تلاش های ما بمنظور ختم جنگ صد مہ زد یا بہ عبارہ سادہ آقای «اوباما» زحمات ما را بخاطر توقف جنگ نادیدہ گرفت و بہ آن صد مہ زد . کہ در اینمورد میتوان چنین گفت: بشکل فرضیہ اسد باید برای مذاکرہ آمادہ شود او یعنی مشاور در مورد نظریات برخی از مامورین پنتاگون اظهار نمود و بہ آن زمان اشارہ نمود کہ اینها یعنی این متصدیان پنتاگون او را بہ حیث عامل متوازی و جانبی پشت تصامیم روسیہ برای راہ اندازی

تهاجم هوایی در تاریخ (30) سپتمبر بخاطر حمایت از ارتش سوریه می‌شناسند و یا او را متهم می‌سازند درحالی‌که آرزو و هدف پوتین حفظ «اسد» از مبتلا شدن به سرنوشت مشا به معمرالقذافی است - او یعنی آن مشا و ارتش خاطر نشان ساخت که آقای پوتین سه بار ویدیو مرگ وحشیانه و سبب‌عانه ای معمرالقذافی را تماشا نموده ویدیو را که بالای اوتجا و ز صورت می‌گردد و با سرنیزه جسد او را سوراخ می‌سازند که اصلاً قابل تحمل نیست و خارج از تصور یک انسان می‌باشد که در این دنیای متمدن انسا نهایی درنده خو و وحشی پیدا می‌شود که دست به همچو اعمال می‌زنند. مشاور ستاد مشترک ارتش ایالات متحده امریکا بمن گفت (به نویسنده این مقاله): که یک کارمند اطلاعاتی امریکایی بعد از ارزیابی مبنی بر تماشا از ویدیو معمرالقذافی توسط پوتین این نتیجه را برداشت مینماید که پوتین بعد از دیدن این ویدو وحشت زده می‌شود و خود را مورد انتقاد قرار میدهد که چرا هنگامیکه ایتلاف غرب در سازمان ملل متحد لابی می‌کردند که بالای لیبیا هجوم هوایی صورت گیرد و رژیم را منقرض نمایند او یعنی پوتین از یک موقف اش استفاده نه نمود و یا نقش براننده اش را از تریبونی در سازمان ملل متحد بازی نکرد و از این واقعه تا سف‌آور جلوگیری بعمل نیاورد - لذا با در نظر داشت همین اصل پوتین اکنون به این عقیده است که اگر او در مورد سوریه تصمیم نمی‌گرفت سرنوشت «اسد» همچو سرنوشت دیگرها میشد یعنی «اسد» پارچه پارچه میشد و پوتین بچشم سر خود ملاحظه می‌کرد که دوستان ایتلاف او در سوریه از هم می‌پاشیدند.

«اوباما» در سخنرانی مورخ «22» نومبر خویش اعلام نمود که هدف اصلی حملات هوایی روسیه تا رومار ساختن مخالفین میانه رو دولت «بشرال اسد» است - حالانکه همچو اظهار نظر میتواند خط اصلی سیاست اداره «اوباما» در همکاری با اکثر رسانه های ایالات متحده امریکا بخاطر مغشوش ساختن اذهان عامه باشد. اما واقعیت طور دیگر است و آن اینکه روس ها بارها بارها تاکید نموده اند که ما در حملات هوایی خود بدون استثنا تمام گروپ های شورشی را که دولت سوریه را بی ثبات می‌سازند بشمول دولت اسلامی عراق و سوریه تحت بمبارد هواپیماهای جنگی خود قرار میدهیم. مشاور و آگاه امور نظامی کرملین در مسایل شرق میانه طی یک مصاحبه که با او صورت گرفت اظهار داشت: او توضیح داد که دور اول یورش هوایی نیروهای هوایی روسیه بخاطر تامین امنیت قوی اطراف پایگاه هوایی روسیه در لاذقیه (Latakia) والاویتی (Alawite) بود یعنی هدف استراتژیک اصلی، او در ادامه مصاحبه خود افزود و گفت: که کارشناسان نظامی روسی بخاطر نیل به هدف فوق خواستند تا برای جهادی ها از دمشق تا لاذقیه یک معبر ویا دهلیز آزاد را ایجاد نمایند و بعد از آن پایگاه نیروی دریایی روسیه واقع در طارتوس (Tartus) تغییر تمرکز دهد و ساحات جنوب و شرق و تمام محلات را که در تحت تصرف دولت عراق و سوریه قرار دارد آن محلات

را به تدریج وبا هوشیاری و مراقبت جدی تحت بمباران قرار دهد- قرار گذارشات رسیده روسیه در آغاز ماه اکتوبر تمام ساحات تحت قلمرو دولت اسلامی عراق و سوریه را تحت حملات پیهم هوایی خود قرارداد و در ماه نومبر مجدداً به تهاجم هوایی خود بالای ساحات تحت تصرف دولت اسلامی عراق و سوریه در نزدیکی شهر تاریخی پالمرا (Palmera) در ولایت عدلیب (Idlib) در جوار مرز ترکیه پرداخت .

نیروهای هوایی روسیه بعد از آنکه پوتین برای آنها مجوز حمله هوایی داد آنها بالای فضای هوایی ترکیه آغاز به هجوم هوایی کردند -حالا که مشاور ستاد ارتش ایالات متحده امریکا در مورد نیروهای هوایی خود چنین اظهار نظر نمود : ما هر وقت و هر جای راکه خواسته باشیم آنجا را تحت پوشش بمبارد مان خود قرار میدهیم و تلاش مینمایم که از چشم رادارهای خود - خود را درور نگه نداریم لذا باید گفت که با ما نبا ید کسی خود را بزند ویا همچشمی نماید؟ پوتین ترکیه را اجازه داد تا بداند و بفهمد و هر آنچه را که علیه روسیه میخواهد یورش و حمله نماید بنماید ویا هر آنچه که شکایت مینماید شکایت کند - ما به حملات خود در مرز آن کشور ادامه میدهیم و از هر حمله ای خود انکار مینمایم ، بگذار که ترکیه به گز مه زنی در مرزهای خود بیشتر بپردازد چونکه تا (24) نومبر هیچ کدام تصادم مهم رخ نخواهد داد وقتیکه دو هواپیمایی نوع (F-16) ترکیه با هجوم سرسام آور هواپیمای جنگی نوع (SU 24M) روسیه را که تنها برای مدت (17) ثانیه داخل حریم ترکیه شده بود سرنگون ساخت -یک روز بعد از سرنگون شدن هوا پیمای جنگی روسیه ، آقای « اوباما» این عمل «ارضوان» را ستود و از ترکیه حمایت خود را اعلام نمود- و بعد از آن اوباما در اول دسمبر با « ارضوان » بصورت خصوصی ملاقات نمود و در کنفرانس مطبوعاتی خود خاطر نشان ساخت و تاکید ورزید که ما با جدیت تمام خود را متعهد میدانیم که از تمامیت ارضی و حاکمیت ترکیه حمایت و پشتیبانی نمایم - او گفت همانطور حمایت و پشتیبانی که روسیه از مدت ها به اینطرف از متحد خود «اسد» حمایت میکند و از اکثر منابع روسیه شنیده میشود که روسیه تا هنوز گروه ها مخالف «اسد» را تحت حمله و یورش هوایی قرار میدهد آنها را که ما تحت حمایت خود داریم لذا ما ما نبا ید دیگر در این مورد مصروف خیالبافی شویم که روسیه تنها هدف حملات خود دولت اسلامی عراق و سوریه را قرار داده است - بلکه او آنچنانیکه گفتیم تمام گروه ها را که ما در تحت حمایت خود قرار دادیم ، روسیه بالای آنها هجوم میبرد که این اتفاقات تنها همین اکنون نیست و نباید هرگز چنین اتفاقات رخ دهد ویا هرگز نباید همچو اتفاقات در چندین هفته ای در آینده رخ دهد ؟

مشاور و کارشناس کرملین در امور شرق میانه همانند ستاد مشترک ارتش ایالات متحده امریکا و آژانس اطلاعاتی دفاعی (DIA) ادعای میانه رو بودن میانه روها را که آقای « اوباما» از آنها بنام میانه رو حمایت میکرد رد نمودند چونکه آنها در واقعیت امر

از جمله عگروپ های افراطی بودند- اینها طبق گذارشات رسیده از مدت های طولانی بطرفداری جبهه ال نصر و دولت اسلامی علیه دولت سوریه جنگیده اند ( ضرورت آن دیده نمیشود که با کلمات بازی کرد و به اصطلاح میانه روهارا از تروریست ها مجزا ساخت و بنام میانه روهانا مید درحالیکه آنها میانه روهانا نیستند این مطلب را آقای « پوتین » درسخنرانی مورخ «22» اکتوبر خود افاده نمود ). ازسوی دیگر جنرال های ایالات متحده امریکا این به اصطلاح میانه روهارا بنام شبیه نظامیان خسته یاد می نمایند و میخواهند که بخاطر بقا وزنده ماندن آنها ایشان را در بین جنگویان جبهه ال نصر و دولت اسلامی جا بجا سازند - در پایان سال (2014) یورگن تودینهورفر ( Jurgen Todenhofer) ژورنالیست المانی این فرصت را بدست آورد که برای مدت ده روز در ساحات تحت قلمرو دولت اسلامی در سوریه و عراق گشت وگذر نماید او طی گزارشی به سی ان ان (CNN) گفت :همه رهبران دولت اسلامی (IS) دربار ه ارتش آزاد سوریه آنها ایشان را چندان اهمیت نمیدادند ویا آنها را جدی نمی نگیرستند بلکه آنها را بخاطر « اسد» جدی میکردند - آنها را البته بخاطر بمب گذاری مهم میدانستند - چونکه آنها نمی هیراسیدند وارتش آزاد سوریه اصلاً کدام نقشی را بازی نمیکرد.

بمباران «پوتین» بر مواضع گروه های تروریستی در سوریه باعث تحریک شماری از مقاله نویسان اجیروضد روسی در مطبوعات غرب شد ،بتاریخ «25» اکتوبر نیویارک تا یمس گزارشی که توسط مسولین اداره « اوپاما » بشکل جعل سند سازی شده بود بدست نشر سپرد ودرسند چنین گزارش داده شده که تحت البحری وکشتی جاسوسی روسیه به عملیات تحت بحری در نزدیکی کبل های که خدمات انترنیتی را برای جهان انجام میدهد دست زده است که آن کبل ها را تخریب وترافیک انترنیت را مواجه به نابودی ساخته است واین ادعا در مقاله منتشر شده در نیویارک تا یمس اذعان شده ولی این ادعا را نتوانسته اند که تا همین اکنون ثابت سازند که ترفیک انترنیتی را تحت البحری روسیه از بین برده است چونکه درمورد این ادعا شواهدی ثبوتیه ای را ندارند که پیشکش نمایند همچنان ده روز قبل تایمس (Times) جزوه مختصری را بدست نشر سپرد که در آن جزوه چنین میخوانیم : روسیه میخواهد تا سوریه را همانند یکی از جمهورهای مطیع خود که در وقت اقتدار اتحاد جماهیر شوروی داشت برگرداند لذا بادر نظر داشت همین اصل و بخاطر تا مین نفوذ خود سوریه را توسط هواپیمای اش تحت بمبارمان قرار داده است ولی در این جزوه مختصر تذکر داد نشده است که اداره «اسد» یا دولت سوریه از روسیه دعوت بعمل آورده ویا از روسیه رسماً خواسته است که او را کمک وحمایت نماید ویا در این جزوه مختصر به نشر رسیده ، خاطر نشان ساخته نشده است که ایالات متحده امریکا ببدون آنکه از او دعوت رسمی صورت گیرد سوریه را در تحت حملات بمب گذاری قرار داد چنانچه نیروهای هوایی ایالات متحده امریکا

در ماه سپتمبر بیدون کدام مجوز رسمی در داخل سوریه به تهاجم پرداختند. از سوی دیگر در ماه اکتوبر در مخالفت با سوریه در عین نشریه (Times) و در عین صفحه از این نشریه سفیر اسبق آقای «اوباما» میخایل مکفول (Michael Mc Faul) که در سال های بین (2012) و (2014) در سوریه ماموریت داشت چنین اعلام میدارد: که کمپاین هوایی روسیه هرکس را ببیدون دولت اسلامی در تحت همجوم ویورش قرار میدهد این تبلیغات ضد روسی حتی بعد از سرنگون گردانیده شدن هواپیمای میتروجیت روسیه در سینیای مصر که کریدت آن را دولت اسلامی بخود اختصاص داد فروکش نکرد و مثل سابق این تبلیغات لجام گسیخته ای غرب تا هنوز بقوت خود باقی مانده است. شماری از کارمندان حکومت ایالات متحده امریکا و رسانه ها میپرسند که چرا دولت اسلامی هواپیمای ملکی روسیه را در سینیای سرنگون ساخت و باعث تلفات (224) سرنشین با کارمندان سرویس خد ماتی آن هواپیما گردید در صورتیکه روسیه تنها میانه روهایی مخالف سوریه را تحت ضربات هوایی خود قرار میدهد؟! در عین حال اکثر امریکایی ها را عقیده بر آن است که تحریم اقتصادی علیه روسیه که تا هنوز دوام دارد بزعم آنها واکنش غرب به نسبت جنایات «پوتین» در اوکراین است. همسان تحریم ها که وزارت خزانه داری ایالات متحده امریکا علیه سوریه و امریکایی ها یکبار در سوریه مصروف تجارت بودند وضع نموده است.

در رابطه به سوریه تا همین امروز چهار عنصر اصلی و اساسی سیاست «اوباما» دست نخورده باقی مانده است: **یک:** اسد حتماً باید از قدرت کنار رود. **دو:** ایتلاف ضد اسلامی با روسیه غیر ممکن و پذیرفتنی نمیباشد. **سه:** باقی ماندن ترکیه به حیث متحد ثابت قدم در جنگ علیه تروریسم. **چهار:** اینکه نیروهای مخالف میانه رو واقعاً قابل توجهی برای حمایت ایالات متحده امریکا میتواند وجود داشته باشد. یعنی که آنها در تحت حمایت اداره من قرار خواهند داشت.

باید خاطر نشان ساخت که تهاجم مورخ «13» نومبر تروریست ها در پاریس و کشتار (130) نفر نتوانیست که موقف ویا پالیسی قصر سفید را تغیر دهد گرچه اکثر رهبران اروپا بشمول برانکوس هولاند (Francois Hollande) حمایت خود را در همکاری تنگاتنگ با روسیه و بویژه در وحدت عمل و نظر با قوت های هوایی آن کشور در از بین بردن لانه های تروریسم در سوریه اعلام نمود و در عین زمان به ارتباط رفتن و نرفتن «اسد» از قدرت موقف نرم و قابل انعطاف را از خود نشان داد. - از سوی دیگر آقای اولاند رییس جمهور فرانسه بتاريخ «24» نومبر به واشنگتن پرواز نمود تا باریس جمهور ایالات متحده امریکا آقای «اوباما» در مورد چگونگی همکاریهای هرچه بیشتر و خوبتر و نزدیکتر از نزدیک باهم به بحث و مذاکره بپردازد، او بعداً در یک کنفرانس مشترک مطبوعاتی با همتای خود آقای «اوباما» در قصر سفید حضور یافت - «اوباما» در این



کنفرانس مطبوعات در خطاب به شنوندگان خود گفت: من و آقای رییس جمهور اولاند به این توافق رسیدیم که همجور هوایی روسیه بر مواضع مخالفین میان نه رو دولت سوریه تقویه نمودن رژیم (اسد) است کسبیکه با عمل خشونت آمیز خود زمیه ایجاد و ظهور دولت اسلامی را مساعد ساخت ولی در همنوای با این گفته ای «اوباما» اولاند تا این سرحد بیشتر جلو نرفت یعنی که چندان همنوایی نشان نداد ولی ولاند گفت: که روند دیپلوماتیک که ممکن عنقریب در «ویانا» براه بیافتد راه را برای کنار رفتن «اسد» از قدرت میها خواهد ساخت که در اینصورت ضرورت ایجاد یک دولت وحدت ملی در سوریه دیده میشود. لذا بیمورد نخواهد بود تا تذکر ندهیم که این کنفرانس نتوانیست اهداف دوطرف را تامین نماید یعنی که کنفرانس به ناکامی انجامید و از سوی دیگر هر دو رییس جمهور نتوانستند تا یک موقف واحد پذیرفته شده را به ارتباط (ارضوان) نشان دهند گرچه آقای «اوباما» از ترکیه حمایت کامل خود را ابراز نمود و گفت این حق ترکیه است که از مرزهای خود دفاع نماید ولی آنچه که اولاند گفت چنین بود که ترکیه باید هر چه عاجلتر علیه تروریسم بجنگد. مشاور ستاد مشترک ارتش ایالات متحده امریکا بمن (نویسنده این مقاله) گفت که منظور از سفر اولاند به واشنگتن از اینقرار بود تا اگر بتواند که مقامات ایالات متحده امریکارا راضی سازد که با اتحادیه اروپا مشترکاً علیه دولت اسلامی اعلامیه ای را صادر نمایند. «اوباما» گفت: نه چونکه این ترکیه بود که با وجود داشتن پرابلم از اعلامیه ناتو حمایت نمود و خود را به آن نهاد متعلق دانست دیگر هیچ کشور اروپایی همچو ترکیه به ارتباط (ناتو) موقف روشن از خود نشان ندادند. مشاور ستاد مشترک ارتش ایالات متحده امریکا گفت: «اسد» بطور طبعی نه پذیرفت که یک گروهی از رهبران خارجی تصمیم گیرند که سرنوشت او را رقم زنند - عماد مصطفی اکنون سفیر سوریه در چین که قبلاً رییس فاکولته ای تکنالوژی معلوماتی در پوهنتون دمشق بود و یکی از دوستان بسیار نزدیک «اسد» میباشد و قتیکه او در سال (2004) بحیث سفیر سوریه در ایالات متحده امریکا برگزیده شد و برای مدت هفت سال به حیث سفیر کشور خود در امریکا ایفای وظیفه نمود و کاملاً متیقن است و یا میداند که او تا هنوز با (اسد) دوست و رفیق و به او نزدیک میباشد و تا هنوز حرف ها و اندیشه های او آنچه که او میگوید قابل اعتماد میباشد بمن گفت: آنها یکیه در اطراف «اسد» حلقه زده اند و یا او را محاصره نموده اند محضاً بخاطر ماندن در قدرت است در حالیکه آنها تروریست هارا مسلح میسازند و وزیران دولت وحدت ملی خود را مرهون احسان اروپایی ها میدانند که اوشان را به همچو مقام و موقف رسانده اند - این قدرت ممکن است تا انتخاب رییس جمهور جدید نیز به همین منوال باقی بماند و یا اینکه شاید آنها به آسانی تعویض شوند آنطوریکه در قبل نیز توسط جانشینان روسای جمهور صورت گرفته است لذا «اسد» خود را مرهون احسان مردم خود میداند که به همین دلیل او نمیخواهد از قدرت کنار رود چونکه این خواست دشمنان تاریخی سوریه است که

میخواهند «اسد» از قدرت کنار رود .

مصطفی همچنان مورد دیگری را پیش کشید و آن اینکه «چین» همین اکنون یکی از جمله متحدین نزدیک «اسد» شمرده میشود چنانچه دولت چین به سوریه تعهد سپرد که آن دولت برای با سازی ویرانه های سوریه بعد از جنگ مبلغ «30» بلیون دالر پرداخت مینماید - چونکه چین به ارتباط نفوذ دولت اسلامی در سوریه نگران است - مصطفی می افزاید که چین در رابطه به بحران کنونی سوریه سه چشم انداز دارد :

رعایت قوانین بین المللی و مشروعیت آن ، موقعیت و وضعیت ستراتیژیک جهانی و فعالیت های جهاد یست های ایغور در ولایت خنجان (xinjiang) در غرب دورچین .

ولایت خنجان چین از نظر موقعیت جغرافیوی خود با هشت کشور اعم ( منگولیا ، روسیه ، قزاقستان ، قرغزستان ، تاجکستان ، افغانستان ، پاکستان و هندوستان ) هم مرز و هم سرحد میباشد که با این موقعیت جغرافیوی خود چین از یک نگاه در سراسر جهان برای تروریستها بعنوان یک معبر قیف مانند میتواند مورد استفاده قرار گیرد و نباد فراموش کرد که اکثر جنگجویان ایغوری ولایت خنجان که در سوریه علیه دولت (اسد) می جنگند اکنون فهمیده شده است که اینها در نهاد جنبش اسلامی ترکستان عضویت دارند و از زمره ای خشونت بارترین جدایی طلبان سرسخت ایغوری اند که میخواهند در ایغور ولایت خنجان دولت اسلامی ایغور را تا سیس نمایند و از گذارشات رسیده چنین می یابیم که این گروه جدایی طلب ایغور را اداره استخبارات ترکیه حمایت و پشتیبانی مینماید .

مصطفی به ادامه صحبت خود گفت : نگرانی چینی ها از این جهت است که نقش ترکیه در حمایت از جنگجویان ایغور در سوریه ممکن است که در آینده نه چندان دور زمینه را برای اجندای ترکیه در ولایت خنجان چین مساعد سازد لذا ما همیشه مقامات مسول چین را به ارتباط فعالیتهای این تروریست های ایغوری و راههای ورودی شان از مرز های ترکیه بداخل سوریه وقتاً فوقتاً در جریان گذاشته ایم .

نگرانی مصطفی بواسطه یک تحلیلگر امور خارجه واشنگتن بیشتر گردید کسیکه مسیر رفت و آمد جهاد یست ها را از طریق ترکیه بداخل سوریه دنبال مینماید یا تحلیلی که دیدگاه های او بطور معمول و روتین توسط مقامات بلند بالای دولت دنبال میگردد بمن گفت : ارضوان «Erdgon» ریس جمهور ترکیه ایغورهای جنگی را توسط یک ترانسپورت بویژه انتقال میدهد او این فعالیت را توام با هیجان و به نفع خود در مبارزه علیه چین انجام میدهد - تروریست های ایغوری و مسلمانان از کشور برمه را که به تایلند فرار مینمایند به آنها گذرنامه ویا پاسپورت های ترکیه عطا می فرماید و بعداً این فراریان با داشتن گذرنامه ای ترکیه داخل ترکیه گردیده و بعداً رهسپار سوریه میشوند و اضافه مینماید که در آنجا یعنی در آن دورو بر راههای کشتی های یدکی و طناب دار نیز

قابل دسترس است که توسط آن کشتی‌ها تروریست‌های ایغور خود را به قزاقستان می‌رسانند چنانچه احصایه تخمینی این ایغوری‌ها از راه‌های کشتی در طول یک سال به صدها و هزارها نفر میرسد که از آنجا بالاخره به سوریه میرسند و در صفوف جنگجویان مخالف دولت سوریه قرار می‌گیرند.

باید خاطر نشان ساخت که یک منبع موثق اداره اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا در مورد این افراد جهادی چنین ابراز نظر نمود که ما به ارتباط فعالیت‌های اینها چیزی بیشتر نمیدانیم و آن اینکه در مورد آنها معلومات لازم و کامل نداریم و از جانی آنها از اینکه به آنها پالسی دولت ایالات متحده آمریکا در باره سوریه خوب و آشکار توضیح داده نمیشود و یا کدام مقام رسمی در مورد مسولیت را متقبل نمیشود از دولت و مقامات مسول ایالات متحده آمریکا و سردمداران قسرسفید ناراض میباشند. نشریه ای هفته نامه امور دفاعی تحت نام (IHS) ماه اکتوبر خود چنین توضیح میدهد که از سال (2013) به بعد بطور تخمین پنج هزار جنگی ایغوری توام با (2000) نفر دیگر که عزم آمدن به سوریه را بغرض جنگیدن علیه دولت سوریه دارند - به سوریه رسیده و یا در حال رسیدن هستند.

**مصطفی گفت:** او معلومات موثق دارد که در حدود (860) نفر ایغوری همین اکنون در سوریه علیه دولت سوریه می‌جنگند.

نگرانی رو به رشد چین در مورد مشکل ایغور و ارتباط آن به موضوعات کنونی سوریه ذهن محقق و پژوهشگر کریستینا لن (Christina Lin) را بخود درگیر ساخته است. ذهن



کریستینا لن (Christina Lin)

کسی را که یک دهه قبل موضوعات مربوط به چین را در تحت بررسی قرار میداد و در پنتاگون در تحت نظر رامسفلد ایفای وظیفه مینمود - او یعنی لن بمن (به این قلم) گفت: من در تایوان بزرگ شدم و بعداً سرانجام در پنتاگون به حیث یک کارشناس موضوعات چین مصروف وظیفه شدم - من با استفاده از دانستگی‌هایم نظریه پردازان چینی را به باد انتقاد گرفته و آنها را به مثابه اهریمنان و شیاطین جلوه دادم و در عین زمان چنین استدلال مینمودم که اینها نظریه پردازان کامل و شایسته نیستند - اما با گذشت سالها اکنون من باچشمان باز خودمیبینم که آنها کاملاً در حال تحول و دیگر گونی اند لذا من نیز بر آن شدم تا به تغیر دیدگاه خود اقدام نمایم تصور من اکنون در مورد چین اینطور است: که چین به حیث یک پارتنر و یا یک شریک بالقوه و نیرومند در رویا روی بالاکثر

مشکلات و چالش‌ها در سراسر جهان می‌تواند نقش چشمگیری را بازی کند بویژه در زدودن مشکلات اکثر قسمت‌های شرق میانه و از جمله در سوریه که اکنون با پرابلم‌های عدیده دست به‌گریبان می‌باشد درجاییکه باید ایالات متحده امریکا و چین دریک هماهنگی تنگاتنگ ضد تروریسم مصونیت و امنیت را در منطقه تامین و فراهم سازند - کریستینا یک هفته قبل بمن (به این قلم) اینطورگفت: چین و هند دورقیب و دو دشمن آشتی‌ناپذیر درجنگ سرد که ازیکدیگر بیشتر نسبت به ایالات متحده امریکا نفرت داشتند امروز جبر زمان آنها را باهم نزدیک میسازد که علیه تروریسم باهم فعالیت‌های مشترک را برنامه ریزی نمایند و یا اینکه چین و روسیه هر دو می‌خواهند مشترکاً در ازبین بردن و انقراض عام و تام تروریسم باهم کار باهمی کنند - آنچه که امروز خانم «کریستینا» چین را با چشمان باز خود مینگرد درمورد اینطور اشاره مینماید: شبیه نظامیان ایغور بشکل از اشکال خود را به سوریه می‌رسانند و در آنجا توسط کارشناسان نظامی دولت اسلامی آموزش می‌بینند و بعد از کسب مهارت‌های تروریستی حلقاتی وجود دارد که آنها را بعد از مدت‌چندی به سرزمین اصلی‌شان یعنی «چین» بخاطر فعالیت‌های تروریستی برمیگردانند. خانم «کریستینا لن» دریک مقاله منتشر شده ای ماه سپتمبر خود چنین مینویسد: و آن اینکه اگر «اسد» سقوط نماید یعنی دولت او منقرض شود در آنصورت چشمان جنگجویان جهادی که از چین روسیه، از ایالت خنجان (Xinjiang) و از کشمیر هندوستان که اکنون در سوریه می‌جنگند به سمت خانه‌ای‌شان باز خواهد شد و زمینه‌ای برگشت‌شان را به سرزمین آبایی‌شان بغرض فعالیت‌های تروریستی منبعی جدیدی که در سوریه یعنی در قلب شرق میانه یا بعرضه‌ای وجود خواهد گذاشت مساعد خواهد ساخت و این منبع جدید بوجود آمده آنها را از هر جهت تحت حمایت خود قرار خواهد داد.

\*

جنرال دیمپسی (General Dempsey) از ستاد مشترک ارتش ایالات متحده امریکا و همکاران‌شان مخالفت خویشرا علیه کانال‌ها بیروکرتیک که بالای آنها تحمیل میشد تلاش میورزیدند که دفا ترشان را از همچو تاثیرات سو منزه نگه دارند ولی جنرال فلم (General Michael Flynn) به نسبت رک و راست گویی‌اش درمورد موضوعات سوریه تحت ضربه و خشم قصر سفید قرار گرفت - پاتریک لانگ (Patric Long) افسر ارشد متقاعد از آژانس اطلاعاتی دفاعی ایالات متحده امریکا که نزدیک به یک دهه مسول جمع‌آوری اطلاعات در شرق میانه بود ضمن یک صحبت خود چنین افاده نمود: من فکر می‌کردم که حقیقت گویی بهترین صفت و جوهر است نه فقط صندلی در حال حرکت در عرشه کشتی تیتانیک است بلکه انگیزه‌ای برای آوردن و روبراه ساختن اصلاحات اساسی و بنیادی است اکنون من چنین می‌اندیشم که رهبری غیر نظامی تحمل شنیدن حقیقت را ندارد که من از همچو برخورد سخت رنج می‌برم چونکه با راست

گوی عادت گرفته ام . بهر صورت جنرال فلم (Genral M, Flym) در مورد ورود به جنگ سوریه گفت : ما با روس ها چه که خوش ما می آید و یا خوش ما نمی آید برای از بین بردن داعش کارهای مشترک سازنده را به پیش میبریم از اینکه روس ها در سوریه اند کار های ما به وجهه دینا میک روبراه است و از زمان حضور قوت های روسیه در سوریه تغییرات مثبت قابل تذکر نیز بوقوع رخ داده است و ما نمیتوانیم بگویم که روس ها بد و خراب اند و باید به خانه های خود برگردند که بارفتن شان در اینجا چیزی واقعی رخ نخواهد داد.

چندی در کنگرس ایالات متحده امریکا با این دیدگاه همنظر بوده و یا این دیدگاه را به اشتراک هم میگذارند اما صرف با یک استثنا که آقای تولسی گابارد (Tulsi Gabbard) دموکرات از هوایی ایالات متحده امریکا و عضو کمیته خدمات خانه مسلح ویکی از افسران ارشد گارد ملی کسیکه دومرتبه به شرق میانه سفر نموده است در یک مصاحبه با سی ان ان (CNN) در ماه اکتوبر نظر خود را چنین افاده نمود : ایالات متحده امریکا و سازمان اطلاعاتی امریکا باید این جنگ غیرقانونی و فرسایشی و غیر مفید را که بخاطر انقراض حکومت سوریه و برکناری (اسد) از قدرت براه انداخته اند فوراً متوقف سازند و لبه ای تیز جنگ را علیه دولت اسلامی و گروپ های تروریستی برگردانند . مصاحبه کننده از خانم تولسی (Tulsi) پرسید که آیا این وضع برای شما نگران کننده نمی باشد که رژیم اسد کم از کم در حدود (200000) و یا (300000) مردم خود را با بیرحمی به قتل رسانید ؟

واکنش خانم تولسی در مقابل این پرسش خبرنگار و یا مصاحبه کننده سی ان ان (CNN) این چنین بود : شما خبرنگاران غرب و یا اسلاف شما نیز همیشه همچو سوالات را به ارتباط آقای معمر القزافی و یا صدام حسین نیز طرح مینمودید و میگفتید که این رژیم ها باید منقرض گردد - پس اگر این آرزوی شما حمایت گران ایالات متحده امریکا جا مه عمل بپوشد و رژیم «اسد» منقرض گردد آیا شما فکر نمیکند که با انقراض رژیم «اسد» و بسر اقتدار آمدن نیروهای افراطی اقلیت مذهبی اسلامی و مسیحی و ضیعت هرچه بیشتر ناهنجار و پر از درد و رنج حکمفرما نخواهد شد و اقلیت های مذهبی افراطی تروریست یعنی دشمنان بشریت هرچه نیرومند تر نخواهند شد ؟ مصاحبه کننده بعداً می پرسد که دخالت نظامیان روسیه در هوا و دخالت ایرانی ها در زمین واقع در سوریه را چگونه ارزیابی مینماید ؟ «تولسی» چنین افاده نمود که کار مشترک آنها زمینه شکست دشمنان ما را مساعد میسازد که طبعاً به نفع ما و بشریت میباشد مبنی بر اینکه دشمن اصلی شکست خورد . تولسی می افزاید که برای بعضی ها که در داخل اند مشکل میتواند باشد که دسترسی به واقعیت ها و راز های عمداً پنهان گذاشته شده حاصل نمایند و یا از مقامات استخدام شونده ای خود انتقاد بعمل آورند و یا بصورت اشکار

مخالفت آگاهانه ای شان را ابراز نمایند که در صورت اظهار مخالفت اشکاراً طبعاً اعتمادی که بین اطلاع دهنده و آنها برقرار شده بود از بین می‌رود و فضای سوء ظن بوجود می‌آید بهر حال با وجود مخالفت های طولانی نمیتوان واقیعت ها را سراغ نکرد - زمانیکه من از مشاور اسبق فرمانده عملیات های بویژه ای مربوط ارتش ایالات متحده امریکا به ارتباط دیدگاه اش پیرامون وضع سوریه پرسیدم او صریحاً به نسبت راست گوی و بیان واقیعت که از طرف مقامات ذیصلاح تحقیر و توهین شده بود حقایق را برملا ساخت و از آنچه که در طول خدمات اش به وقایع چندی مواجهه شده بود همه ای آن واقیعت ها را اشکار ساخت . او افزود که یگانه راه حل معضله موجود سوریه در آن نهفته است که در قدم نخست باید تهدیدی که از سوی دولت اسلامی بر ما تحمیل میشود و یا به آن تهدید مواجهه هستیم باید هرچه زوتر این تهدید در همکاری مشترک ایالات متحده امریکا، روسیه و چین از بین برود و قدم های مثمر عملی در قلع و قمع تمام گروپهای افراطی و تروریستی برداشته شود و از کنار رفتن « بشرال اسد» صرف نظر شود و بگذارند که «اسد» در موقف فعلی خود پا برجا بماند و هر زمانیکه وضع سوریه ثبات یافت در آنوقت است که باید انتخابات آزاد صورت گیرد بدون این گزینش به نظرم که دیگر هیچ گزینشی وجود نخواهد داشت بهر صورت راهی غیر مستقیم نظامی و آنهم بخاطر برکنار ساختن (اسد) از موقف اش توأم با متقاعد و سبکدوش ساختن جنرال دیمپسی (General Dempsey) وبعوض او جاگزین ساختن جنرال دونفورد (General Joseph Dunford) بحیث ریس کل ستاد مشترک ارتش ایالات متحده امریکا بادر نظر داشت شواهد و تایید سروس خدماتی نظامی مجلس سنای ایالات متحده امریکا که در ماه جولای صورت گرفت جنرال «جوزف دونفور» دو ماه قبل از اشغال و وظیفه در اشاره با روسیه چنین گفته بود اگر شما خواسته باشید تا بداند نیز که کدام کشور میخواهد ایالات متحده امریکا را تهدید نماید و یا تحت شان نتاژ قرار دهد میتواند گفت که آن کشور روسیه میباشد. بناً اگر شما به رفتار و عملکرد این کشور در امور کنونی سوریه بنگرید شمارا نگران خواهد ساخت و آن اینکه این نگرانی به هیچ وجه کوتاه مدت نبوده - بلکه این نگرانی از قبل وجود داشت اویعنی دانفورد وقتی که در ماه اکتوبر برکرسی ستاد مشترک ارتش ایالات متحده امریکا تکیه زد در قدم نخست تلاش های بمب گذاری روسیه را در سوریه غیر مفید خوانده افزود که روس ها مواضع دولت اسلامی را تحت ضربات هوایی خود قرار نمیدهند - لذا ما در همکاری با متحد مان ترکیه میتوانیم امنیت و مصونیت را در مرز شمال سوریه تامین نمایم و با تمام توان و قدرت خود در پی بررسی وضعیت گروپ های مخالف دولت سوریه خواهیم شد و میانها را حمایت خواهیم کرد که علیه گروهای افراطی بجنگند .

اوباما اکنون با پنتاگون بیشتر موافق خواهد بود از اینکه او دیگر تحت باز پرس

وچنانچ غیر مستقم از طرف رهبری نظامی مبنی بر سیاست تحقیر نمودن اش از (اسد) و حمایت نمودن اش از «ارضوان» قرار نخواهد گرفت . از جانب دیگر جنرال دیمپسی و همکاران او به نسبت اینکه (اوباما) با وجود مخالفت های شدید جامعه آگاه امریکا که علیه ارضوان وجود داشت و از او دفاع و حمایت نمود بهت زده باقی ماندند چنانچه در اینمور شواهدی نیز در دست است که اوباما بصورت خصوصی نیز از ارضوان حمایت اش را ابراز داشته است و از سوی دیگر در یک نشست واقع در قصر سفید آقای «اوباما» ریس اطلاعات ترکیه را متوجه ساخت و گفت ما میدانیم که شما علیه افراطیون در سوریه چه میکنید(آنچه که من بتاريخ هفدهم اپریل سال «20-14» این موضوع را به بررسی کتاب لندن «LRB» گذارش داده ام)- و از جانب دیگر ستاد مشترک ارتش و آژانس اطلاعاتی دفاعی ایالات متحده امریکا بشکل پیگیر و دوامدار رهبری قصر سفید را مبنی بر تهدید از سوی جهادی ها در سوریه و از دفاعی که دولت ترکیه از آن جهادی های افراطی بعمل می آورد باخبر ساخته ولی سوال در اینجا است که چرا مقامات واشنگتن به همچو اطلاعات رسیده گوش فرا نداده و از آن تجاهل نموده اند .

---

**با تقدیم احترامات**